

مه‌ار آسیب‌های اجتماعی در حوزه سیاست‌گذاری، محلی از اعراب ندارد

# افزایش ۵ برابری جمعیت زیر خط فقر شاغلین طی دو سال



آسیب‌های اجتماعی از قبیل اعتیاد، بزه‌کاری، طلاق، خودکشی و خشونت یکی از مشکلات مبتلا به جامعه، به ویژه بخش جوان است. اینکه این آسیب‌ها چه منشأ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مشخصی دارد و اینکه شدت آن تا چه اندازه است، سوالاتی است که عمدتاً کارشناسان کمتر با تمرکز بر کارگران به آن پرداخته‌اند.

در همین زمینه خبرگزاری ایلنا با «روز به کردنی» رئیس سابق مرکز پژوهش‌های تأمین اجتماعی، گفت و گویی انجام داده است که در ادامه از نظر تان می‌گذرد.



## وزن آسیب‌های اجتماعی در زندگی روزمره کارگران چه میزان است و آیا می‌توان گفت در این بخش از جامعه آسیب‌ها عمده‌تر است؟

وقتی از آسیب‌های اجتماعی در میان کارگران صحبت می‌کنیم، پیش از هر چیزی در حال صحبت کردن درباره خود پدیده آسیب‌های اجتماعی هستیم. به عبارت بهتر وقتی درباره این موضوع سوال می‌کنیم که «وضع آسیب‌های اجتماعی در میان کارگران تا چه حد جدی است؟» قبل از آن باید به این سوال پاسخ بگوییم که اساساً شدت و گسترش و وضع آسیب‌های اجتماعی در کل جامعه ایرانی در چه موقعیتی قرار دارد تا بتوانیم در قیاس با این تصویر، وضعیت آسیب‌ها در بین کارگران را مورد سنجش قرار دهیم.

معتقدم حوزه آسیب‌های اجتماعی و مسائل مبتلابه اجتماعی ما پرورداختن به آن، حوزه‌ای فاقد «تان» و «نام» است لذا در حوزه سیاست‌گذاری محلی از اعراب ندارد. برای مثال، در حوزه آسیب‌های اجتماعی شما امکان به دست آوردن یک موقعیت خاص اقتصادی را ندارد بدولی وقتی متولی یک بخش عمرانی و صنعتی در کشور بشود، شاید چند صد، جاده و... بسازد، هم‌اوقات مالی و اقتصادی خوب پیدای کند و هم تا پایان عمر می‌گویند فلان مجموعه از پروژه‌ها را آن مسئول خاص ساخت.

در چنین شرایطی موضوع آسیب‌های اجتماعی در سطح سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری وضع مطلوبی ندارد چون برای آن در سطح کلان سیاست‌گذاری نشده و مداخله هدفمندی انجام نمی‌شود، این موضوعات به خودی خود حل نمی‌شود. بحث من هم معطوف به یک دولت خاص نیست و تمامی دولت‌ها را طی سه یا چهار دهه اخیر در بر می‌گیرد.

باید در گام اول، به این نقطه برسیم که چه در سطح حوزه عمومی (یعنی کنشگران مدنی در دانشگاه، اس‌تاد، صاحب رسانه و فعالان مستقل مدنی) و چه در سطح سیاسی (یعنی مسئولان، مدیریت کلان و سیاست‌گذاری) مسائل اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی را به عنوان یک اولویت شناسایی کرده و در سطح سیاست‌گذاری به آن به‌مثابه یک اولویت اصلی ضرب بدهیم. تا به این نقطه نرسیم، امید می‌باشد که کنترل و مدیریت آسیب‌های اجتماعی وجود ندارد.

## آمار نشان می‌داد که جمعیت افراد زیر خط فقر مطلق شاغلین ۵ برابر شده یعنی اگر ما قبلاً با فقر افراد بیکار مواجه بودیم، اکنون پس از این دوره بار شد فقر مطلق در میان افراد شاغل مواجه هستیم

در مورد سوال شما هم باید گفت که روی موضوع مهم آسیب‌های اجتماعی در میان کارگران، هیچ مقاله پژوهشی قابل توجه یا کار جدی دانشگاهی در سطح پایان‌نامه و رساله و چه در کارهای آمارنامه‌های وزارت تعاون، در ایران نداشته‌ایم و این بسیار بد است. یعنی موضوعاتی مثل «طلاق در میان کارگران»، «اعتیاد در میان کارگران»، «خشونت در میان کارگران»، «خودکشی در میان کارگران» به‌عنوان یک موضوع مستقل در میان پژوهش‌های اجتماعی ما تقریباً حضور ندارد. به همین دلیل گزارشی که در آن بتوان عدد و رقم مشخصی از این آسیب‌ها در میان کارگران ایران را نشان دهد، وجود ندارد. وقتی ما می‌خواهیم درباره موضوعی بحث کنیم که به راهکار برسیم، باید اول یک تصویر کلی از روند‌ها و وضعیت موجود داشته باشیم و این اولین ضعف بزرگ ما در این حوزه است. فقط به صورت کلی می‌بینیم یا می‌شنویم که وضعیت آسیب‌ها در میان کارگران خوب نیست، لذا اولین نکته‌ای که به عنوان تجویز راهبردی می‌توان توصیه کرد،

این است که نهاد‌های مسئول اعم از دولتی و غیردولتی برای فراهم آوردن یک تصویر آماري و کیفی از وضعیت موجود اقدام کنند. براساس آن تصویر می‌توانیم سیاست‌هایی برای کاهش آسیب‌های اجتماعی طراحی کنیم و بدون آن چنین چیزی ناممکن است.

## اخیراً برخی اظهار نظر‌ها در میان برخی مسئولان اجتماعی و فرهنگی وزارت تعاون درباره برخی آسیب‌های اجتماعی بیان

## شده که نشان می‌دهد کارگران بیشتر درگیر آسیب‌ها هستند. این آیا برای اقدام کافی نیست؟

ببینید مثلاً مقامات وزارت کار گفته‌اند که تعداد افراد درگیر اعتیاد در میان کارگران بیشتر از سایر اقشار و گروه‌های اجتماعی است. این اظهارات، سخنانی کلی و بدون مستندات و دقت آماری است. این ادعا باید طی یک گزارش رسمی و روندی در مقایسه با سایر اقشار در ایران، شفاف اعلام شود تا مسأله قابل بررسی باشد.

تا پژوهشی با چنین سطحی از استناد و با جزئیات اعلام نشود، نمی‌توانیم آن را محل ارجاع بدانیم. در دوران وزارت آقای ریعی، اولین اطلس عمومی آسیب‌های اجتماعی در ایران منتشر شد که شامل همه اقشار بود و تصویری هر چند ناکامل را فراهم می‌آورد که کمک می‌کرد برای یافتن نقاط آسیب‌پذیر، جامعه‌هدف، شناسایی کنیم. اکنون نیز هم برای حوزه اجرائی و هم حوزه سیاست‌گذاری، اولین نیاز ما تکمیل کردن آن تصویر از طریق جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات در حوزه آسیب‌های اجتماعی است. ضمن اینکه شاخص‌های سنجش آسیب‌ها را نیز در این دوره و پس از همه‌گیری کرونا باید مورد بازنگری قرار دهیم و بدون این توان کنترل یا کاهش آسیب‌ها را نخواهیم داشت.

## این فقدان داده‌ها نبود تصویر، چه عوارضی در حوزه سیاست‌گذاری داشته است؟

این عوارض را در برنامه ششم و هفتم توسعه می‌بینیم. زمانی که خودبند در وزارت کار مسئولیت داشتیم، این مطلب مطرح شد که می‌خواهیم پدیده کار کودک را کاهش دهیم. برنامه ششم اعلام کرده بود که تعداد کودکان کار را ۲۰ درصد کاهش می‌دهیم. ما این مقدار مطرح کردیم که آقایان مسئول، کودکان کار را از چه عددی می‌خواهند ۲۰ درصد کاهش دهند؟ ۱۰۰ هزار، ۵۰ هزار یا بیش از یک میلیون نفر؟ چطور بدون داشتن یک آمار منسجم می‌توان مدعی کاهش ۲۰ درصدی تعداد کودکان کار شد؟ در جمع‌بندی باید بگوییم که در حوزه مسائل اجتماعی و آسیب‌های آن، سه چالش مهم وجود دارد که یکی نبود انگیزه مالی، سیاسی و شهرت (فقدان نام‌ونان) در فضای بحث درباره آسیب‌های اجتماعی است. دیگری فقدان اطلاعات و تصویری از وضعیت آسیب‌هاست و سومی فقدان مهارت لازم در حوزه اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی است. البته معضل دیگری این است که این حوزه فاقد متولی است و به اصطلاح عامیانه «صاحب‌ندارد»!

## به بحث گروه‌های مدنی و فقدان مهارت در حوزه مقابله با آسیب‌های اجتماعی اشاره کردید. مشکل این گروه‌ها چیست؟

وقتی به خیریه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در این حوزه بنگرید، متوجه می‌شوید که آنها هم به‌نگاه‌مقابله با آسیب‌های اجتماعی که بیشتر نگاه عمرانی دارند. این نگاه عمرانی باعث می‌شود که این دوستان در اولین فرصت وقتی با موضوع آسیب‌مواجه می‌شوند، مثلاً اقدام به ساخت مدرسه و در مانگاه می‌کنند. «توسعه عمرانی زده» یا «نگاه عمرانی به توسعه» فقط در حوزه اجرائی و دولتی نیست. در حوزه کارهای مردمی، مدنی و خیریه‌ای نیز همین نگاه در برابر مشکلات و آسیب‌های اجتماعی وجود دارد. حتی در حوزه مسئولیت اجتماعی بنگاه‌های اقتصادی و بخش خصوصی نیز، مسئولیت اجتماعی را بیشتر در امور عمرانی و ساخت و ساز خلاصه می‌کنند. نمی‌گوییم کار عمرانی خوب نیست یا مثلاً ما از نظر عمرانی و امکانات فیزیکی وضعیت خوبی داریم و نیازی به این حوزه نداریم. حرف این است که اصولاً در جایی که



کار خیر می‌خواهیم بکنیم، مسأله را به ساخت و ساز تقلیل ندهیم. صرف‌نظر از این مسائیل و چالش‌ها، آیا می‌توان به صورت اجمالی در حوزه همه‌گیری و گسترش آسیب‌های اجتماعی در میان کارگران، این فرضیه را مطرح کرد که نسبتی میان فقر و مشکلات معیشتی و گسترش آسیب‌های اجتماعی میان این گروه‌ها و جامعه در مقایسه با سایر گروه‌ها و طبقات اجتماعی ایران وجود دارد؟

من مبتنی بر فراتر تحلیل می‌توانم این ادعا را مطرح کنم که طی یک دهه اخیر و باروندهای اجتماعی و اقتصادی پیش آمده، این امر مشخص است که آسیب‌های اجتماعی در بخش کارگری جامعه، بیشتر از قبل به سمت و خامت حرکت کرده است. بیش از هر دلیل اقتصادی دیگری، کرونا و همه‌گیری ویروس کووید ۱۹ باعث شد ضربه بدی به اقتصاد کشور وارد آید. کرونا بیش از هر چیزی محیط کار را دست‌خوش تغییر کرد و باعث بسته شدن بسیاری از محیط‌های کار درون و بیرون شهری شد.



این گزارش روند غالب‌تری را توضیح می‌داد. جمعیت زیر خط فقر مطلق کل مادور برابر شده بود اما آمار جداگانه‌ای که از فقر افراد دارای پوشش بیمه‌ای اجتماعی و شاغل به دست آمد، نشان می‌داد که جمعیت افراد زیر خط فقر مطلق شاغلین ۵ برابر شده یعنی اگر ما قبلاً با فقر افراد بیکار مواجه بودیم، اکنون پس از این دوره بار شد فقر مطلق در میان افراد شاغل مواجه هستیم. باید گفت قطعاً فقر و مشکلات معیشتی تنها علت بروز آسیب‌های اجتماعی نیست اما قطعاً یکی از مهم‌ترین دلایل بروز آسیب‌های اجتماعی و شیوع آن، مشکلات معیشتی و فقر است؛ فقری که در این دوره بیش از همه گریبان کارگران را گرفته بود. بنابراین با توجه به اینکه جامعه زیر خط فقر ما چه در سطح کلان کشور و چه در درون جامعه کارگری و کارمندی و روستایی افزایش یافته و با توجه به اینکه کرونا در حوزه‌های اشتغال و فضاهای کار ما تأثیر داشته، دیگری می‌توان این تحلیل را مطرح کرد که امروز نسبت دو سه سال قبل، مشکلات و آسیب‌های اجتماعی مادر حوزه کارگری تشدید شده است.

## در چند سال اخیر مسأله خودکشی کارگران به یکی از موضوعاتی مطرح شده که بحث‌ها و حواشی قابل توجهی را مطرح کرده. آیا این پدیده را هم می‌توان در پیوند با موضوع معیشت دید؟

مانندانهایی دریافت می‌کنیم، البته الگوهای خودکشی در کشورهای مختلف متفاوت است و در برخی کشورها، گرایش به خودکشی به شکل گسترده در میان افراد مسن وجود دارد. در برخی کشورها جوانان صرف‌نظر از میزان بهره‌مندی اقتصادی گرایش به خودکشی بیشتر دارند و در برخی هم جمعیت روستایی بیشتر میل به خودکشی دارد اما در ایران الگوی خودکشی به این شکل است که بیشترین میزان خودکشی بیش از هر چیز در میان مردان است.

جمعیت ۲۰ تا ۳۰ سال مردان در شهرهای مادر ایران بیشترین میزان خودکشی را نسبت به سایر گروه‌های جمعیتی، جنسیتی و سنی دارد. جامعه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال ما دقیقاً بخشی است که نقش قابل توجهی در بازار کار دارد و در این میان مردان بیش از زنان در این سنین حضور دارند. وقتی ما می‌بینیم در این بخش نرخ خودکشی افزایش پیدای می‌کند، به دلیل اینکه طیف سنی و جنسیتی دارای نرخ خودکشی بالاتر هستند و الگوی خودکشی آنان به این نحو است، پس جمعیت فعال در سن کار و اوج فعالیت ما بیشتر گرایش به خودکشی پیدا کرده است. وقتی طیف سنی و جنسیتی خودکشی ما چنین وضعیتی دارد، این قابل پیش‌بینی است که برخی از خودکشی‌ها مبتنی معیشتی داشته و حتی در محیط کار رخ بدهند.

## با توجه به این شرایط، در حوزه سیاست‌گذاری چه الزاماتی برای کنترل آسیب‌های اجتماعی در میان کارگران وجود دارد؟

تازمانی که تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران ما نسبت به

در همان دوره دو موسسه عالی پژوهشی تأمین اجتماعی، نشان دادیم که طبق پیش‌بینی‌ها، پس از کرونا وضعیت کودکان کار و تعداد آنها بیشتر خواهد شد زیرا کرونا مستقیم بر فقر خانوادگی گذاشته و نتیجه طبیعی فقر خانواده آسیب‌پذیر، افزایش تعداد کودکان کار است. دنیا در این حوزه تحقیقات کرده بود و آماده‌واکنش به این روند بود.

## این روند آیا بر افزایش خط فقر مطلق میان شاغلین هم تأثیر داشت؟

مقوله آسیب‌های اجتماعی کارگران توجهی سیاست‌گذاران و کلان‌نداشته باشد و به پیروی از قوانین علمی مواجهه با آسیب‌های اجتماعی بی‌توجه باشند، در این حوزه موفق به مهار و کنترل آسیب‌ها نخواهیم شد. حتماً وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی باید در این حوزه پاسخگو باشد اما تنها متولی و پاسخگو در حوزه آسیب‌های اجتماعی کارگران و آسیب‌های اجتماعی به‌طور کلی، این وزارت‌خانه نیست؛ استاد مبارزه با مواد مخدر با تشکیلات بزرگ خود، هر سال باید گزارش دهد که در بحث مقابله با گسترش اعتیاد در میان کارگرانی که هر لحظه به دلیل اعتیاد ممکن است کار خود را از دست دهند، چه کرده است؟ خود وزارت بهداشت مشخصاً در بحث بهداشت شغلی و در میان کارگران باید یک ورود دقیق و حکیمانه داشته باشد. وزارت نفت که در عسویه، خوزستان و بسیاری از پروژه‌ها و واحدها، در رابطه با جامعه کارگری قسار دارد، این توضیح را بدهد که در این حوزه چه کرده است؟ عددهای بسیار بزرگی در حوزه مسئولیت اجتماعی به وزارت نفت اختصاص یافته و این وزارت‌خانه ثروتمند باید توضیح دهد که با توجه به مشکلات کارگران این بخش از جمله دوری از محیط زندگی، چه کاری برای کارگر کرده است؟ اما آنچه که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی را بیش از همه مسئول می‌کند، این است که برای فعال کردن سایر نهادهای مسئول، این وزارت‌خانه وظیفه‌دار در واقع نقش تنظیم‌گری برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی ابتدا با وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است و باید جواب بدهد که برای این تنظیم‌گری و هماهنگ کردن دستگاه‌های مسئول چه کاری کرده است؟

## اگر ساختار تصمیم‌گیر موفق شود با سیاست‌های دستوری و بخشنامه‌ای، از دواچرا گسترده و طلاق رادر کل جامعه کم کند، قطعاً اثر این امر در جامعه کارگری هم به تبع کل جامعه حس می‌شود

باید توضیح داده شود که چند بار شورای عالی رفاه تشکیل شده و در سال‌های اخیر چندبار مسائل و آسیب‌های اجتماعی مورد بحث قرار گرفته و برای آنها سیاست و راه‌حل اتخاذ شده است؟ اگر شورای عالی رفاه تشکیل شده، چندبار دستور کار این جلسات، موضوعات و آسیب‌های اجتماعی بوده است؟ یکی از مسئولیت‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اساساً همین حساسیت‌زایی نسبت به مسائل اجتماعی در سایر دستگاه‌ها و مطالبه‌گری از مقامات بالادستی و سایر دستگاه‌ها در حوزه آسیب‌هاست. وزارت کار باید هم یک دستگاه اجرائی در حوزه وظایف خود در قبال آسیب‌های اجتماعی کارگران و گروه‌های فرودست جامعه باشد و هم هم‌زمان یک دستگاه مطالبه‌گر هم باشد تا وظایف خود را به‌عنوان وزارت رفاه اجتماعی در دست انجام داده باشد. معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت کار، وقتی در جلسه ستاد مبارزه با مواد مخدر شرکت می‌کند، باید صدای کارگران، کودکان و بازنگستان برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی خانمان سوز، اعتیاد باشد.

## در حوزه سایر مسائل مثل بزه‌کاری، تجرد قطعی و طلاق، موقعیت کارگران به نسبت سایر گروه‌های اجتماعی چقدر متفاوت است؟

باید بین مسائل اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی تمایز قائل شویم. بسیاری بر این باور هستند که مباحثی مثل تجرد قطعی و طلاق، مسأله اجتماعی هستند اما آسیب اجتماعی نیستند هر چند می‌توانند از عوامل بروز آسیب‌های اجتماعی باشند.

وقتی از مسائل جامعه کارگری صحبت می‌کنیم، نباید فراموش کنیم که جامعه کار و تولید ما در درون کل جامعه ایران و به‌عنوان بخشی از همین جامعه زیست می‌کند و آن دسته مشکلاتی که کل جامعه دارد، بر بخش کارگری جامعه هم اثر می‌گذارد. اگر از تجرد قطعی، طلاق و خودکشی صحبت می‌کنیم، از مشکلات جامعه کارگری و کل جامعه به صورت هم‌زمان سخن می‌گوییم زیرا کارگران بخش ایزوله شده‌ای از این جامعه نیستند و مسائل و مواهب این جامعه بر آنان نیز به نحوی اثر دارد. اگر ساختار تصمیم‌گیر ما موفق شود با سیاست‌های دستوری و بخشنامه‌ای، از دواچرا گسترده و طلاق رادر کل جامعه کم کند، قطعاً اثر این امر در جامعه کارگری هم به تبع کل جامعه حس می‌شود.

اما مادر دمی قرار داریم که آن هم دام «جواب‌های ساده‌برای سوالات پیچیده» است. راهکار، مواجهه با تجرد قطعی از نظر برخی فقط مسکن و تهیه خانه است اما اما با وزارت تعاون ما رفته و با ۵۰۰ جوان کارگر در سن ۲۵ تا ۳۵ سال مصاحبه عمیق کرده و براساس آن نتیجه‌گیری کرده که اگر به این جوانان مسکن کارگری بدهد، مشکل حل می‌شود؟ باید بپذیریم

آسیب‌های اجتماعی نیز پیچیده شده است. باید به برخی جزئیات هم توجه کرد. مسا وقتی از جامعه کارگری صحبت می‌کنیم، با یک جامعه همگن و دارای شرایط یکسان صحبت نمی‌کنیم. مثلاً باید به این امر توجه شود که وقتی از مسائل اجتماعی کارگران صحبت می‌کنیم، آسیب‌های اجتماعی و معضلات کارگران ساختمانی با کارگران صنعتی و کارگران بخش کشاورزی و خدماتی از هم متفاوت است. کارگرانی که در حوزه غیررسمی و زیرزمینی کار می‌کنند، یک شرایط کاملاً متفاوت از نظر آسیب‌ها دارند. ما باید از ساده‌سازی مسائل اجتناب کنیم و به صورت تخصصی به حل مسأله بپردازیم. مثلاً در حوزه خودکشی کارگران، باید به‌طوری دقیق و درمسأله‌شوم که این پرسش قبل از بررسی مطرح شود که خودکشی در کدام شاخه از صنعت، کدام منطقه و برای چه کاری رخ داده است. این مسائل با این دقت باید محل توجه باشد تا بتوانیم به‌موقعیت‌هایی دست پیدا کنیم.